

تحلیل گفتمان انتقادی شخصیت زنان در داستان «مالیخولیای محبوب من»

جلال رحیمیان*

فرشته محمدپور**

تاریخ دریافت: ۹۷/۱/۲۹

تاریخ پذیرش: ۹۷/۵/۲۷

چکیده

تحلیل گفتمان انتقادی یکی از روش‌های تحلیل گفتمان و شیوه‌ای نو در بررسی مسائل اجتماعی است که از طریق مطالعات تحلیل متون ادبی و نقد ادبی با ادبیات مرتبط است. تحلیل گران گفتمان انتقادی بر این باورند که متون ادبی، داستان‌ها و رمان‌ها نیز مانند سایر متون در راستای برقراری ارتباط هستند. از این رو می‌توان با نگرش و روش انتقادی آن‌ها را تحلیل نمود. پژوهش حاضر با استفاده از راهکارهای ارائه شده در زمینه تحلیل گفتمان انتقادی و با توجه به الگوی ون لیوون (۲۰۰۸) که الگویی جامعه‌شناختی-معنایی است، به بررسی بازنمایی شخصیت زنان در داستان «مالیخولیای محبوب من» می‌پردازد. در این پژوهش، از روش کیفی استفاده شده است و همچنین جهت بررسی دقیق‌تر داده‌ها، از روش کمی نیز استفاده شده است. هدف از انجام این پژوهش، تحلیل و تبیین چگونگی نگرش نویسنده داستان نسبت به بازنمایی شخصیت زنان جامعه امروزی به عنوان کنش‌گران اجتماعی است. نویسنده کتاب در پی این است که دختران امروزی در نسل بعدی، زنان قدرتمندتری به لحاظ عاطفی و اجتماعی باشند تا بتوانند پا به پای مردان از چالش‌های عاطفی عبور کنند. **کلیدواژگان:** فمینیسم، جامعه‌شناسی زبان، جنسیت، تربیت عاطفی، تبعیض‌های اجتماعی.

* استاد بخش زبان‌های خارجی و زبان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شیراز.

** دانشجوی دکتری زبان‌شناسی همگانی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شیراز.

مقدمه

یکی از مهم‌ترین مسائل مطرح در زبان‌شناسی، تحلیل گفتمان است. گفتمان ترجمه واژه Discourse است و نوعی از کاربرد گفت‌وگو است که در آن علاوه بر معنای ظاهری، به شرایط زمانی، مکانی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی توجه می‌شود. کریستال (۱۹۹۲) می‌گوید: «تحلیل انتقادی گفتمان، رویکردی است که به تجزیه و تحلیل زبان می‌پردازد و هدف آن آشکارسازی روابط قدرت پنهان و فرآیندهای ایدئولوژیکی در زبان‌شناسی است. این رویکرد بیش‌تر با بافت اجتماعی که متون در بستر آن‌ها به وجود آمده‌اند و باید در همان بافت تفسیر شوند، ارتباط دارد» (کریستال، ۱۹۹۲: ۸۷). تحلیل‌گر گفتمان انتقادی، با استفاده از الگوهای خاص به بررسی و تحلیل این ساختارها می‌پردازد تا به ایدئولوژی پنهان در پس متون پی ببرد. «تحلیل گفتمان دارای رویکردهای گوناگون از جمله رویکرد ساختارگرایانه، کارکردگرایانه، معرفت‌شناسانه، تحلیل انتقادی گفتمان و رویکرد پساساختارگرایانه (دیرینه‌شناسی و تبارشناسی) می‌باشد» (حقیقت، ۱۳۸۷: ۴۷۹). «دید نقادانه باعث می‌شود که بتوان دریافت چگونه با استفاده از عناصر زبانی و ساختارهای گفتمان‌مدار مختلف می‌توان حقایق را به اشکال مختلف به تصویر کشید، بر فکر و اندیشه افراد و شیوه برداشت آنان از مسائل اجتماعی تأثیر گذاشت و در واقع نگرش آنان را کنترل کرد. در این راستا، می‌توان گفت که «زبان» عملی اجتماعی است که با ایدئولوژی، قدرت، تاریخ و جامعه سر و کار دارد و از طرفی دیگر، بافت‌های تاریخی، روابط قدرت و سلطه، نهادهای اجتماعی و ایدئولوژیکی متن و گفتار را به وجود می‌آورند» (حصیری، ۱۳۹۰: ۱۴).

یکی از مفاهیم کلیدی در مطالعات فمینیسم، مفهوم جنس و جنسیت است. جنس به عوامل زیست‌شناختی اشاره دارد که تغییرناپذیر است و زنان را از مردان متمایز می‌کند و امری طبیعی است، ولی جنسیت، واژه و باوری فرهنگی است و به نقش‌های متفاوتی که یک جامعه به مردان و زنان القا می‌کند اشاره دارد (مهدی‌زاده، ۱۳۹۸: ۱۴۴). «جنس و جنسیت در مطالعات فرهنگی، برساخته‌هایی اجتماعی فرض می‌شوند که در ذات خود موضوع بازنمایی هستند. آن‌ها بیش‌تر موضوعات فرهنگی هستند تا طبیعی» (بارکر، ۱۳۸۷: ۵۶۳). «در طول تاریخ همواره زنان و مسائل مرتبط با آنان عنصری

جدایی‌ناپذیر از جوامع بشری بوده و نحوه نگاه به جایگاه زنان بارها دستخوش تغییر و تحول گردیده است» (پیرزادنیآ و مرتضایی، ۱۳۹۴: ۱۰). لیکاف (۱۹۷۵) بیان می‌کند که تفاوت‌های جنسیتی در کاربرد زبان، از دوران کودکی آغاز می‌شود و این تفاوت‌ها خود را در کلیه سطوح زبانی نشان می‌دهند. او همچنین اذعان می‌کند که مردان آمادگی بیشتری برای استفاده از الفاظ غیرمؤدبانانه نسبت به زنان دارند. وی همچنین اعتقاد دارد که زنان از لحاظ زندگی اجتماعی به سوی سبک گفتاری که فاقد قدرت است، کشیده می‌شوند و این بیان‌گر نابرابری بین جنس‌ها در اجتماع می‌باشد (لیکاف، ۱۹۷۵: ۸۳). «فمینیست‌ها زبان را عرصه‌ای مناسب در جهت بازیابی هویت زنانه، برسازی و تثبیت جایگاه اجتماعی زنان می‌دانند» (خراسانی و فخراسلام، ۱۳۹۵: ۱۰). مارجوری / دولت (۱۹۹۹) معتقد است که حتی زنان فمینیست هم نمی‌توانند آثار خود را از زبان مسلط مردانه دور کنند چون آثار آن‌ها از سوی جامعه طرد می‌شود (به نقل از جوادی یگانه و صفی، ۱۳۹۲: ۹۱).

ادبیات یک کشور، نماینده فرهنگ و هویت آن ملت است. ادبیات می‌تواند جلوه‌گر راز و رمزهای اجتماعی و تاریخی یک سرزمین باشد و تلاش جهت حفظ و بررسی آن می‌تواند به شناخت هرچه بهتر مؤلفه‌های اجتماعی یا تاریخی آن سرزمین کمک فراوانی کند. بررسی آثار یک نویسنده راه را برای مشخص کردن اهداف ایدئولوژیکی و توصیف و کشف دیدگاه‌های فکری او هموار می‌نماید. در این پژوهش، نگارندگان سعی دارند که به بازنمایی شخصیت زنان به عنوان کنش‌گران اجتماعی در داستان «مالیخولیای محبوب من» در قالب چارچوب ون‌لیوون (۲۰۰۸) بپردازند. در این الگو، مرکز توجه «کنش‌گران اجتماعی» است که در متن بارنمایی می‌شود. در تحقیق حاضر، چارچوبی در داخل پارادایمی خاص عرضه می‌شود و سپس داده‌های مورد بررسی با توجه به این اصول تحلیل می‌شوند و درستی یا نادرستی نتایج با توجه به این اصول محک زده می‌شوند. تحقیق حاضر، پس از تجزیه و تحلیل متن با توجه به مؤلفه‌های جامعه‌شناختی - معنایی در مجموعه داستانی مورد نظر و همچنین شناساندن افکار پنهانی نویسنده به خواننده، به دنبال تبیین چگونگی نگرش نویسنده نسبت به بازنمایی شخصیت زنان جامعه امروزی به عنوان کنش‌گران اجتماعی می‌باشد و پاسخ به این سؤال که آیا مؤلفه‌های

جامعه‌شناختی - معنایی در بررسی تصویری که نویسندگان داستان‌ها از شخصیت‌های زن ارائه می‌دهد کارآمد است یا خیر.

پیشینه تحقیق

زبان‌شناسان از دیدگاه‌های متفاوت به بررسی آثار فمینیستی و داستان‌ها پرداخته‌اند. آمر (۲۰۱۶) با بررسی مؤلفه جنسیت در کتاب‌های درسی مدارس ابتدایی الجزایر، نشان می‌دهد که علی‌رغم اقدامات انجام‌شده توسط دولت الجزایر در زمینه برابری جنسیت، همچنان این مسأله در وزارت آموزش و پرورش به گونه‌ای ارائه می‌شود که وضعیت پیشین را به صورت بسیار سنتی و کلیشه‌ای پشتیبانی می‌کند. آذر و همکاران (۲۰۱۶) به بررسی متنی معناهای جنسیت از دید زنان میانسال لبنانی و نحوه شکل‌گیری آن از لحاظ اجتماعی، فرهنگی و سیاسی می‌پردازند. نتایج آن‌ها نشان می‌دهد که علی‌رغم اینکه عده‌ای از زنان خود را برای حفظ انسجام خانواده قربانی می‌کنند، برخی از آن‌ها با به چالش کشیدن هنجارهای اجتماعی، معانی جدیدی برای جنسیت خود به وجود آورده‌اند. حلاج‌زاده بناب و همکاران (۱۳۹۶) در بررسی خود، به شیوه بازنمایی کنش‌گران اجتماعی در گفتمان زنان خواستار طلاق پرداخته‌اند. انواع بازنمایی کنش‌گران بر اساس الگوی ون لیوون (۲۰۰۸) تعیین شده است. نتایج پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد که زنان از سه شیوه هویت‌دهی نسبتی، منفعل‌سازی و عدم تفکیک برای بازنمایی کنش‌گران حاضر در گفتمان دادگاه خانواده استفاده می‌کنند و هدف از این بازنمایی‌ها، بزرگ‌نمایی رفتارهای ناپسند طرف مقابل و برجسته‌سازی نکات مثبت خود و خودی‌ها است. فندهاریون و رستمی (۱۳۹۶) با استفاده از تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف، به بررسی چگونگی بازنمایی تصویر زن در تبلیغات تلویزیونی می‌پردازند. نتایج آن‌ها نشان می‌دهد که بر خلاف تصور محققان پیشین، بازنمایی تصویر زن در تبلیغات بازرگانی، محدود به تصویر کلیشه‌ای فردی خانه‌دار، مصرف‌گرا، منفعل و نادان نمی‌شود، بلکه تبلیغات تولیدی اخیر در حال ترویج گفتمان جدیدی بر مبنای ارزش‌نهادن به جایگاه زن و نزدیک کردن وی به موقعیت کنونی‌اش به عنوان عنصری فعال، خردمند و توانا در جامعه ایرانی است. غلامعلی‌زاده و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی، داستان «آل» نوشته محمد

بهمن بیگی را با توجه به مؤلفه‌های نام‌دهی و طبقه‌بندی کنش‌گران اجتماعی در الگوی ون لیوون (۲۰۰۸) بررسی می‌کنند. نتایج آن‌ها نشان می‌دهد که بازنمایی کنش‌گران در داستان «آل» هدفمند و در جهت کنترل دیدگاه‌های اجتماعی است. نویسنده داستان، دیدگاه خود را با شیوه‌ای پوشیده بیان کرده و ستم جامعه به زن را به تصویر کشیده است. ارزش‌دهی مردان ایل، مثبت و بیان‌گر دیدگاه عشایر نسبت به جنس مذکر است ولی ارزش‌گذاری زنان با توجه به موقعیت اجتماعی حاکم بر متن، سیال است. فرقانی و عبدی (۱۳۹۵) به بازنمایی زن در جوک‌های جنسیتی با توجه به رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی پرداخته‌اند. نتایج آن‌ها نشان می‌دهد که جوک‌های جنسیتی، بازنمایی منفی و فرودست از زنان و دختران در مقابل مردان و حتی پسران داشته است. همچنین جوک‌های جنسیتی از درون گفتمان مردسالاری برآمده و در نهایت به تأیید و تقویت این گفتمان منجر شده است. میرزایی و فلاحی (۱۳۹۵) به بررسی جایگاه زنان در ادبیات شفاهی قوم قشقایی از منظر تحلیل گفتمان انتقادی پرداخته‌اند. نتایج بررسی آن‌ها نشان می‌دهد که زنان دارای ارزش و منزلتی پایین‌تر از مردان هستند ولی این ارزش‌گذاری در برخی از متون و موقعیت‌ها، مانند نقش زن در جایگاه مادر، تغییر کرده است و ارزش‌گذاری مثبت نسبت به زنان نشان داده شده است. اما در دیگر نقش‌ها، زنان ارزش‌گذاری چندان مثبتی ندارند و در اغلب موارد نسبت به مردان نقش برابری ندارند. بخارایی و همکاران (۱۳۹۴) بر اساس نظریات تحلیل گفتمان لاکلا و موفه به واکاوی سوژه زن در فضای سه فیلم لیلا (۱۳۷۵)، دو زن (۱۳۷۷) و جدایی نادر از سیمین (۱۳۸۹) پرداخته‌اند. نتایج آن‌ها نشان داد که روابط زنان در بستر سلسله مراتب اجتماعی و گفتمان‌های مسلط بر جامعه و فضای خانوادگی، از هم گسیخته است و نمی‌توان یک رویه مشخص را بر چگونگی کنش زنان در مناسباتشان در فضای جامعه ایران، حاکم دانست و این را می‌توان منبعث از معلق‌بودن روابط در جامعه در حال گذار ایران به شمار آورد. حیدرپورفرد (۱۳۹۳) بر اساس الگوی جامعه‌شناختی- معنایی ون لیوون (۲۰۰۸) به بررسی بازنمایی شخصیت‌های زنان به عنوان کنش‌گران اجتماعی در رمان‌های سیمین دانشور پرداخته است. نتایج وی نشان می‌دهد که دانشور در پی جامعه‌ای است که در آن زن از منزلتی بالاتر و هم‌سنگ با مردان بهره‌مند باشند. جواد

یگانه و صحفی (۱۳۹۲) در پژوهش خود با توجه به رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی، به بررسی روایت زنان از جنگ در کتاب «دا» می‌پردازند. آن‌ها به این نتیجه می‌رسند که نویسنده کتاب «دا» قصد دارد بر خلاف گفتمان سنتی، بر نقش‌های دیگر زنان در جنگ تأکید کند. نویسنده کتاب «دا» با کرداری مردانه و گفتاری زنانه سعی کرده است از متون میان‌گفتمانی خویش فراتر رود و روایتی جدید را خلق نماید. کرمی قهی (۱۳۹۱) در پژوهشی با تأکید بر مسأله زن و خانواده، به تحلیل گفتمان برنامه سوم، چهارم و پنجم توسعه پرداخته است. وی در برنامه توسعه سوم و چهارم، گفتمان اصلاح‌طلبان و در برنامه پنجم، گفتمان اصول‌گراها را بررسی کرده است. نتایج ایشان نشان داد که گفتمان اصلاح‌طلبان در حوزه مربوط به توسعه جنسیتی، تلفیقی از رویکردهای توانمندسازی و جنسیت و توسعه را نمایندگی می‌کند ولی گفتمان اصول‌گراها با نگاهی انتقادی به رویکردهای عمده در نظریات توسعه، تلاش در جهت نظریه‌پردازی بومی در حوزه مسائل زنان و خانواده با رویکرد خانواده‌گرایی دارد.

روش تحقیق

زبان ماهیتاً امری اجتماعی است و در همه سطوح اجتماعی دست‌اندرکار ایجاد نظم و تغییر است. به گفته فرکلاف (۱۹۹۲) هر نوع کلام، گفتار یا نوشتار، اجتماعی است و ماهیت و ساختار اجتماعی دارد و پیوند معناداری میان ویژگی‌های خاص متون، شیوه‌هایی که آن‌ها به هم پیوند می‌خورند و تعبیر می‌شوند با ماهیت عمل اجتماعی وجود دارد (به نقل از حیدرپورفرد، ۱۳۹۳: ۱۲). در این مقاله از روش کیفی استفاده شده است و جهت نشان‌دادن تحلیل دقیق‌تر داده‌ها، از روش کمی و آماری نیز استفاده شده است. تحلیل گفتمان انتقادی رویکردی جدید در تحلیل گفتمان است و شیوه‌ای نوین در بررسی مسائل اجتماعی می‌باشد. این پژوهش بر آن است تا ایدئولوژی‌های نهفته در پس ساختارهای زبانی را شناسایی نماید و برای بازنمایی این ایدئولوژی‌ها از الگوی جامعه‌شناختی - معنایی ون لیوون (۲۰۰۸) بهره برده است. داده‌های پژوهش از کتاب مجموعه داستانی «مالیخولیای محبوب من» انتخاب شده‌اند. این مجموعه داستانی اثر بهاره رهنما است که به تازگی چاپ نهم آن روانه بازار شده است و یکی از پرفروش‌ترین

کتاب‌ها در حیطة فمینیسم می‌باشد. موضوع این داستان حول عشق می‌چرخد. آن هم عشق بی‌سرانجام مختوم به شکست. کل داستان سرگشتگی و تنهایی پس از ناکامی عشق را روایت می‌کند. راوی داستان زنی است عاشق، وامانده و کنار گذاشته شده از سوی معشوق. در این داستان، زن روایت می‌کند و زاویه دید را به‌سوی معشوق می‌چرخاند. نگارندگان پس از جمع‌آوری داده‌ها، انواع بازنمایی کنش‌گران را با توجه به الگوی مربوطه، استخراج کردند و هدف کاربردشناسی هر بازنمایی به صورت مجزا تحلیل و بررسی شد.

یافته‌ها

یکی از چارچوب‌ها و نظریه‌هایی که در زمینه تحلیل گفتمان انتقادی مورد بحث است، رویکرد ون لیوون در این زمینه می‌باشد. برای نشان‌دادن کنش‌گران اجتماعی، می‌توان از مؤلفه‌های جامعه‌شناختی - معنایی استفاده کرد و آن‌ها را در ساختار جملات یافت. در قسمت یافته‌ها، آن دسته از مؤلفه‌های جامعه‌شناختی - معنایی که در داستان مورد بررسی به کار رفته است، معرفی و با ذکر نمونه تشریح می‌شود. تعیین نقش، یکی از جنبه‌های مهم در بازنمایی کنش‌گران اجتماعی است و نقش مهمی در بررسی‌های انتقادی ایفا می‌کند. تعیین نقش، در حقیقت مشخص نمودن این است که چه کسی کنش‌گر یا عامل عمل و چه کسی کنش‌پذیر یا پذیرنده عمل است. تعیین نقش به دو صورت «فعال‌سازی» و «منفعل‌سازی» انجام می‌گیرد.

فعال‌سازی

«در فعال‌سازی، کنش‌گر یا کنش‌گران به عنوان نیروی فعال و پویا در یک کنش مشارکت دارند و همان عاملین عمل هستند» (حیدرپورفرد، ۱۳۹۳: ۴۴)
«در همه سال‌های بیست تا سی سالگی‌ام، آنقدر سرم توی درس و کتاب بود که نتوانستم شما مردها را بشناسم...»

کنش‌گر در اینجا به صورت فعال در زمینه کاری پرارزش و با اهمیت بازنمایی شده است. البته اگرچه راوی داستان در انتها بیان کرده است که تک بعدی بودن و صرفاً درس خواندن باعث شده است که زنان از اجتماع و محیطی که در آن زندگی می‌کنند

کمی دور شوند و مردان را آنطور که باید نشانند و در اینجا در حقیقت همین مسأله باعث شده است که زن ضربه روحی و عاطفی از ماجرای عشق و ازدواج ببیند. به عبارتی دیگر می‌خواهد بگوید که زن‌ها برای اینکه به قدرت برسند و بتوانند از موقعیتی که در گذشته داشته‌اند، رها شوند، روش تحصیل علم و دانش را انتخاب می‌کنند که به علت تک بعدی بودن این نوع حضور در اجتماع، عدم شناخت کامل و صحیح مردان را برای آن‌ها در پی داشته است.

منفعل‌سازی

«در منفعل‌سازی، کنش‌گران، پذیرنده یک کنش خاص هستند، در حقیقت پذیرنده عمل هستند و به آن تن می‌دهند. به عبارت دیگر، کنش‌گران در منفعل‌سازی به صورت عوامل تأثیرپذیر بازنمایی می‌شوند. منفعل‌سازی به دو نوع «موضوع‌سازی» و «ذی‌نفع‌سازی» تقسیم می‌شود» (حیدرپورفرد، ۳۰).

منفعل‌سازی از نوع موضوع‌سازی

«در موضوع‌سازی، با کنش‌گران مانند اشیاء برخورد می‌شود، گویی کنش‌گران اختیاری از خود ندارند و در مورد آن‌ها تصمیم گرفته می‌شود. به عبارتی در موضوع‌سازی، کنش‌گران، موضوع یا هدف عمل قرار می‌گیرند» (حیدرپورفرد، ۳۱).
«خدا شما مردان را از چه جنسی آفریده نمی‌دانم، گاهی فکر می‌کنم درست از جنس آتش هستید. وقتی زنی را می‌خواهید، هیچ چیز جلودارتان نیست، نه موقعیت آن زن، نه مشکلاتش، نه خطرهای این رابطه و نه هیچ چیز دیگر.»

در اینجا زنان به عنوان کنش‌گران اجتماعی، در امر ازدواج به صورت منفعل بازنمایی شده‌اند که پذیرنده عملی هستند و به آن تن می‌دهند. در حقیقت با آن‌ها مانند یک شیء که گرفتنی و بدست‌آوردنی هستند، برخورد شده است. گویی زن در رابطه با این مسأله هیچ نقشی ندارد و این مردان هستند که تصمیم‌گیرنده هستند. البته علاوه بر قدرت، سماجت مردان را در بدست آوردن چیزی که می‌خواهند به آن برسند، نشان می‌دهد.

منفعل‌سازی از نوع ذی‌نفع‌سازی

«در ذی‌نفع‌سازی، کنش‌گران به صورت مثبت یا منفی، از کنش سود می‌برند» (همان).
«طوری ماجرا را جلوه می‌دهید که زن بدبخت‌رها شده، فکر کند که خب این بابا که
بیش‌تر به فکر من است تا خودش!»

در حقیقت راوی داستان بر این باور است که باز نقطه ضعف زنان که همان عواطف و احساساتشان است، باعث می‌شود که بازیچه دست مردان قرار بگیرد و آن‌ها حتی این قدرت را داشته باشند که به راحتی ماجرا را آنطور که دلخواه خودشان است پیش ببرند، و وانمود کنند که دارند کاری را انجام می‌دهند که برای زن، سود بیش‌تری دارد و در این داستان ماجرا توسط مرد به گونه‌ای رقم می‌خورد که زن با تمام وجود باور می‌کند که مسأله‌ای مانند جدایی، به نفع او بوده است نه مرد.

تعیین نوع اشاره

کنش‌گران اجتماعی مطابق نوع بازنمایی‌شان، می‌توانند به دو مقوله «انسان‌نمایی» یا «تشخص‌بخشی» و «غیر انسان‌نمایی» یا «تشخص‌زدایی» تقسیم شوند.

انسان‌نمایی یا تشخص‌بخشی

«در تشخص‌بخشی، کنش‌گران بر اساس مشخصه انسانی که به آن‌ها داده شده است، بازنمایی می‌شوند. تشخص‌بخشی خود به دو زیرمقوله «مشخص‌سازی» و «نام‌مشخص‌سازی» تقسیم می‌شود که مشخص‌سازی باز شامل این مقوله‌ها می‌گردد: ۱. پیوندزدن و پیوندزدایی، ۲. تفکیک کردن و تفکیک نکردن، ۳. نام‌دهی و طبقه‌بندی کردن، ۴. مشخص‌سازی تک‌موردی و مشخص‌سازی چند‌موردی» (همان).
مواردی که در این داستان، کنش‌گران با توجه به آن بازنمایی می‌شوند:

تفکیک کردن و تفکیک نکردن

«در تفکیک کردن، فرد یا گروهی از کنش‌گران اجتماعی، به وضوح از فرد یا گروه‌های مشابه خود متمایز می‌شوند و هویت آن‌ها به طریقی مشخص می‌گردد» (حیدرپورفرد، ۳۲).

«مدام بزرگ تر بودن مرا به رویم می آوردی و برایم تعریف می کردی که چطور همه دوستان رفتنند دخترهای دهه شصتی گرفته اند».

با توجه به اینکه عقیده و باور عموم بر این است که دختر باید تا سن مشخصی ازدواج کند و اگر این قضیه اتفاق نیفتد برای وی یک نقطه منفی به حساب می آید، از این رو، در اینجا، دخترهای دهه شصتی به عنوان دخترانی که سن مناسب ازدواج را داشته اند، از دیگر دختران تفکیک شده اند. البته این باورهای اشتباه در ذهن اکثریت افراد جامعه نفوذ کرده است و دختران به راحتی در این رابطه مورد قضاوت قرار می گیرند و به آن‌ها برچسب منفی می دهند.

«در تفکیک نکردن، کنش گران به عنوان افراد یا گروه‌های نامشخص و بی نشان بازنمایی می شوند» (حیدرپور فرد: همان).

«از تمام مردها گفتیم؛ از خرید خودمان هم بگوییم که ما زن‌ها وقتی عاشق می شویم قدرت تمام‌عیاری در نفهمیدن واقعیت یا وارونه جلوه‌دادنش داریم».

غلبه و قدرت مردان در برانگیختن احساسات زن‌ها، باعث شده است که این ویژگی، امری مشترک بین تمام زنان تلقی شود.

نام‌دهی و طبقه‌بندی کردن

«اگر کنش گران اجتماعی با توجه به هویت منحصر به فردشان بازنمایی شوند، نام‌دهی به کار رفته است و اگر با توجه به هویت جمعی یا نقش‌هایی که در آن با دیگر کنش گران سهیم هستند، بازنمایی شوند، طبقه‌بندی شده‌اند. نام‌دهی توسط اسامی خاص شناسایی می شود و سه گونه رسمی، نیمه‌رسمی و غیر رسمی دارد. نام‌دهی همچنین می تواند به صورت مقام‌دهی و نسبت‌دهی نیز بیان گردد. در مقام‌دهی، کنش گران به صورت «استاد...»، «مهندس...» و ... بازنمایی می شوند و در نسبت‌دهی، کنش گر به صورت «خاله...» و ... اذعان می گردد» (حیدرپور فرد: ۳۳).

۱. نام‌دهی نیمه رسمی

«... یکی‌اش اینکه زنی که از چشمتان افتاده، ریستان باشد...»

چگونگی نام‌دهی یک شخص و نوع خطاب‌شدن وی توسط دیگران، اهمیت بسزایی در نحوه بازنمایی آن فرد دارد. در اینجا شخصیت «رئیس» با توجه به اینکه به لحاظ

مقام دارای اهمیت و احترام است، بدین صورت به کار رفته است، ولی در عین حال، این واژه به تنهایی به کار رفته است و همین باعث شده کمی از حالت رسمی آن کاسته شود و کنش گر به صورت نیمه رسمی بازنمایی شده است.

۲. نام‌دهی رسمی

«... یا اصلاً زن داشته باشید و بترسید که به تریخ قبای خانواده نازنینتان بر بخورد...»
با توجه به محوری بودن نقش خانواده و میزان اهمیت بالای آن در اجتماع، از همسر به عنوان عضوی از این گروه اجتماعی که دارای احترام است و عدم وجود او باعث تضعیف بنیاد خانواده می‌شود، بدین صورت نام می‌برد.
طبقه‌بندی کردن دارای سه زیرمقوله نقش‌دهی، هویت‌بخشی و ارزش‌دهی است.

نقش‌دهی

«نقش‌دهی زمانی است که کنش‌گران بر اساس نقشی که دارند و فعالیتی که انجام می‌دهند، بازنمایی می‌شوند» (همان).

«شاگرد اول کنکور بودن، من را به موجود غریب و دست‌نیافتنی تبدیل کرده بود.»
نقش‌دهی در فرهنگ و جامعه ما از اهمیت و ارزش فوق‌العاده‌ای برخوردار است. در این داستان، شاگرد اول کنکور بودن، یک امتیاز بسیار بالایی محسوب می‌شود و نگرش دیگران نسبت به آن شخص اینگونه است که او را در مقام و مرتبه‌ای می‌دانند که دیگر افراد در نظرش هیچ هستند و در نتیجه باعث شده است که افرادی که به لحاظ رتبه از او پایین‌تر بوده‌اند، از ترس طرد شدن، خودشان از برقراری ارتباط کناره‌گیری کنند.

هویت‌بخشی

«هویت‌بخشی زمانی روی می‌دهد که کنش‌گران بر اساس آنچه که هستند، بازنمایی می‌شوند. هویت‌بخشی شامل سه زیربخش «هویت‌بخشی مقوله‌ای»، «هویت‌بخشی نسبتی» و «هویت‌بخشی ظاهری» است» (همان) که از این سه نمونه تنها «هویت‌بخشی ظاهری» و «هویت‌بخشی مقوله‌ای» در داستان مورد بررسی یافت شد.

۱. هویت بخشی ظاهری

«در هویت بخشی ظاهری، کنش گران را بر اساس ویژگی ظاهریشان بازنمایی می کنند» (حیدرپورفرد: ۳۴).

«... و این هم از بیماری های ما زنان است که گاه حتی تا سال ها بعد رهاسدندان امید داریم، امید به برگشتن عشق لعنتی شماها!»

در اینجا هویت کنش گران با توجه به ظاهرشان بازنمایی شده است و باز دارد روی نقطه ضعف زنان که همان احساساتی بودن آنهاست، تأکید می کند و می گوید این امر باعث شده است که زنان در جامعه و از سوی مردان بیش تر دچار آسیب پذیری اجتماعی شوند.

۲. هویت بخشی مقوله ای

«در هویت بخشی مقوله ای، با توجه به ویژگی های کلانی که جامعه کنش گران را بر اساس آن دسته بندی می کنند، کنش گران را می توان بازنمایی کرد» (حیدرپورفرد: ۳۳)، به عنوان مثال، بر اساس سن، جنسیت، زادگاه، طبقه اجتماعی، ثروت، نژاد، قومیت، مذهب و

«چه خوب که خیال می کنی از زن سی و هشت ساله عاقلی که در زمان خودش شاگرد اول کنکور بوده، هرگز چنین حماقتی سر نمی زند».

جهت بازنمایی هویت کنش گر، از مؤلفه «سن» استفاده شده است. زن در اینجا بر اساس سنش، یک فرد بالغ و عاقل فرض می شود به گونه ای که حتی به ذهن دیگران خطور نخواهد کرد که او دست به کار احمقانه ای چون خودکشی خواهد زد.

ارزش دهی

«در دسته ارزش دهی، کنش گران با استفاده از اصطلاحات ارزشی و تقابلی بازنمایی می شوند» (حیدرپورفرد: ۳۴). ارزش دهی دو نوع مثبت و منفی دارد.

۱. ارزش دهی مثبت

«به طرز احمقانه ای در این هاگیر واگیر مردنم، خوشحالم که به قول تو شاید تنها خانم مهندسی باشم که این همه شاعر می شناسد و شعر بلد است».

کنش گر در اینجا توسط شخصی که قبلاً با او قصد ازدواج داشته است، با صفت مثبت خطاب می‌شود و حتی خاص بودن زن را از دید مرد نشان می‌دهد.

۲. ارزش‌دهی منفی

«کیف می‌کردم وقتی می‌دیدم میزان حماقت من را هیچ نمی‌دانستی، هیچ».

در اینجا زن به عنوان کنش‌گر اجتماعی، دارد از سوی خودش با یک صفت منفی بازنمایی می‌شود و این در حالی است که وی از دید مردی که او را طرد کرده است، اینگونه تصور نمی‌شود، بلکه حتی شخصی عاقل است.

مشخص‌سازی تک موردی و مشخص‌سازی چندموردی

«در مشخص‌سازی تک موردی، کنش‌گر در آن واحد، تنها در یک کنش مشارکت دارد. در مشخص‌سازی چند موردی، کنش‌گران در آن واحد در بیش از یک کنش اجتماعی مشارکت دارند» (حیدرپورفرد: ۳۵). انواع مشخص‌نمایی شامل وارونگی، نمادین‌شدگی، دلالت ضمنی و فشرده‌شدگی می‌باشد (همان) که در این داستان تنها مورد دلالت ضمنی یافت شد.

دلالات ضمنی

حالتی که در آن کنش‌گری که دارای نقش و ویژگی مشخص است، نمایان‌گر ویژگی و نقش دیگری نیز باشد (حیدرپورفرد: ۳۷).

«همانطور که چشمانم را بسته بودم، منتظر آقای مرگ بودم، چون شک نداشتم که مرگ، یک آقای قدبلند است. آن موقع همه چیز برایم یک جورهایی جنسیت داشت. ابرها همگی مرد بودند و مدادرنگی‌های من زن و ریش‌تراش بابا هم البته نمی‌دانم چرا، زن بود».

مدادرنگی‌ها به زن تشبیه شده است، در حقیقت این قضیه شاید به این علت بوده است که زنان از زیبایی و رنگارنگی که در تعامل با احساساتشان است، بیش‌تر لذت می‌برند و تشبیه ریش‌تراش پدر به زن نیز شاید دلیلی بر این مسأله باشد که مردها زمانی که صورت خود را اصلاح می‌کنند، مهربان‌تر جلوه می‌کنند و این صفت مهربانی، ویژگی بارز اکثر زنان است.

تشخص زدایی

«در تشخص زدایی، کنش گران به صورت غیرانسان بازنمایی می‌شوند. تشخص زدایی با دو مقوله «انتزاعی سازی» و «عینی سازی» مشخص می‌شود. در انتزاعی سازی، کنش گران با یک صفت یا ویژگی خود بازنمایی می‌شوند. به عبارتی دیگر، صفت یا ویژگی کنش گر جایگزین او می‌شود. در عینی سازی، کنش گران توسط مکان یا چیزی که به شخصیت آن‌ها مربوط می‌شود، بازنمایی می‌شوند» (حیدرپور فرد: ۳۷-۳۸).

انتزاعی سازی

«وقتی پنج ساله بودم، یک روز شوهر عمه‌ام به من گفت: آنقدر کمرنگی که آدم می‌ترسه بهت دست بکشد نکنه پاک شی». دختر بچه پنج ساله، با صفت کمرنگی و پاک شدن یا به عبارتی فراموش شدن، بازنمایی می‌شود.

عینی سازی از نوع ابزارمداری

«در ابزارمداری، بازنمایی کنش گران با توجه به ابزارهایی که آنان، کنش مورد نظر را با آن انجام می‌دهند، مشخص می‌شود» (حیدرپور فرد: ۳۸). به عبارتی، اشاره و تمرکز بر روی ابزار مورد نظر است.

«ذهنم مثل یک دفتر یادداشت مخفی و نامرئی کار می‌کرد.»

ذهن کنش گر با اشاره و تمرکز بر روی ابزار، بازنمایی شده است.

در جدول زیر، میزان فراوانی مؤلفه‌های گفتمان مدار در داستان مورد بررسی آورده شده است.

جدول شماره (۱)، فراوانی مؤلفه‌های گفتمان مدار در داستان «مالیخولیای محبوب من»

مؤلفه‌ها	تعداد رخداد	درصد
فعال سازی	۴۶	٪ ۳۲/۳۹
منفعل سازی از نوع موضوع سازی	۱۰	٪ ۷/۰۴
منفعل سازی از نوع ذی نفع سازی	۱۵	٪ ۱۰/۵۶
تفکیک کردن	۱۰	٪ ۷/۰۴

تفکیک نکردن	۶	٪ ۴/۲۲
نام دهی نیمه رسمی	۹	٪ ۶/۳۴
نام دهی رسمی	۵	٪ ۳/۵۲
نقش دهی	۵	٪ ۳/۵۲
هویت بخشی ظاهری	۱۰	٪ ۷/۰۴
هویت بخشی مقوله ای	۷	٪ ۴/۹۳
ارزش دهی مثبت	۱۱	٪ ۷/۷۵
ارزش دهی منفی	۵	٪ ۳/۵۲
دلالت ضمنی	۳	٪ ۲/۱۱
انتزاعی سازی	۴	٪ ۲/۸۲
عینی سازی ابزارمداری	۱	۰/۷
جمع کل	۱۴۲	۱۰۰

نتیجه بحث

پژوهش حاضر به بررسی بازنمایی شخصیت زنان به عنوان کنش‌گران اجتماعی در داستان «مالیخولیای محبوب من» بر اساس رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی ون لیوون (۲۰۰۸) که رویکردی جامعه‌شناختی-معنایی است، پرداخته است. در این بررسی، آن ساختارهایی که با هدف تحقیق هماهنگ بودند و در بازنمایی شخصیت‌های زنان تأثیر داشته‌اند، انتخاب شده‌اند و پس از آن، داده‌های تحقیق مورد بررسی و تحلیل قرار گرفتند. نتایج با توجه به تحلیل‌های انجام‌شده نشان داد که مؤلفه‌های جامعه‌شناختی-معنایی الگوی ون لیوون (۲۰۰۸) از کارآیی بالایی در بازنمایی شخصیت‌های زن در داستان مورد بررسی در این پژوهش دارد و نویسنده داستان از متفاوتی در بازنمایی آن‌ها استفاده کرده است. از میان مؤلفه‌های بکارگرفته شده در این رمان، می‌توان فعال‌سازی، منفعل‌سازی، تفکیک کردن، تفکیک نکردن، نام‌دهی، نقش‌دهی، هویت‌بخشی، ارزش‌دهی و دلالت ضمنی را نام برد که از این میان، فعال‌سازی با میانگین ۳۲/۳۹٪ بیش‌ترین میزان را در بین مؤلفه‌ها دارا بوده و عینی‌سازی از نوع ابزارمداری با میانگین ۰/۷٪ کم‌ترین میزان مؤلفه‌ها را داراست. این امر تأییدی بر این ادعا است که نویسنده جامعه زنان را به عنوان کنش‌گران اجتماعی بسیار فعال می‌داند.

داستان «مالیخولیایی محبوب من» درباره زن‌های ایرانی است که مجبورند به دلیل تربیت عاطفی که از کودکی همراهشان است، از ارتباط عاطفی و داستان‌های عاشقانه جدا شوند. رهنما خواهان جامعه‌ای است که با نگرش نو به زن نگاه کند. او خواهان تساوی حقوق زنان و مردان است و در پی این است که دختران امروزی در نسل بعدی، زنان قدرتمندتری به لحاظ عاطفی و اجتماعی باشند تا بتوانند پا به پای مردان از چالش‌های عاطفی عبور کنند. این اثر می‌تواند از جایگاه روان‌شناختی یا حتی آسیب‌شناسی اجتماعی مفید واقع شود زیرا زنان باید بدانند که برای زندگی در جهان امروز باید قوی‌تر از پیش باشند. در این یک‌صد سال داستان‌نویسی ایران، تعاریف متفاوتی از زن در اجتماع داده شده است. به‌عنوان مثال در دوره‌ای که زنان حق رأی نداشتند، اکثر آثار فمینیستی به این گونه تبعیض‌های اجتماعی پرداخته‌اند. در دوره مشروطه به طرز دیگری و کلاً متناسب با هر دوره به بخشی از کمبودهای زنان در اجتماع پرداخته شده است.

رهنما در حقیقت با بیان این داستان، می‌خواهد از مشکلات جامعه امروزی بگوید و آن اینکه در جامعه‌ای که در گذشته‌اش مردها به لحاظ قدرت اجتماعی بسیار بالاتر از زنان بوده‌اند و شرایط اجتماعی یک زن برابر با یک مرد نبوده است، زنان برای نجات خود از این وضعیت نابسامان تصمیم می‌گیرند که برای ارتقاء سطح اجتماعی خود و برابر نمودن حقوقشان با مردان، هم‌پای آن‌ها وارد اجتماع شوند و برای شروع، به تحصیل علم و دانش می‌پردازند که البته در این امر بسیار موفق بوده‌اند ولی مشکل اساسی که در اینجا مطرح می‌شود این است که زن‌ها برای ورود به اجتماع و نشان دادن قدرت خود، تک بعدی عمل کرده‌اند و بدون آموزش برای ورود به اجتماع و هر نوع آگاهی از وجود خطرات آن، به یکباره وارد اجتماع شده‌اند و این سبب آسیب‌پذیری آن‌ها به لحاظ عاطفی شده است.

کتابنامه

بارکر، کریس، ۱۳۸۷ش، *مطالعات فرهنگی (نظریه و عملکرد)*، ترجمه مهدی فرجی و نفیسه حمیدی، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
حقیقت، سید صادق. ۱۳۸۷ش، *روش شناسی علوم سیاسی*، قم: انتشارات دانشگاه مفید.
رهنما، بهاره. ۱۳۹۴ش، *مالیخولیای محبوب من*، چاپ هشتم، تهران: انتشارات آگاه.
مهدی‌زاده، سید محمد. ۱۳۸۹ش، *جامعه‌شناسی جوک و خنده*، تهران: اندیشه‌سرا- کانون خورشید.

مقالات و پایان‌نامه‌ها

اسدی، مسعود؛ گلفام، ارسلان؛ آقاگل‌زاده، فردوس؛ و افراشی، آریتا. ۱۳۹۴ش، «مؤلفه‌های زبان شناختی و جامعه‌شناختی - معنایی و بازنمایی کنش‌گران اجتماعی در متون مطبوعاتی»، *دوماهنامه جستارهای زبانی*، شماره ۲ (پیاپی ۲۳)، صص ۱-۲۴.
بخارایی، احمد؛ علیخواه، فردین؛ و نیاتی شاغل، امین. ۱۳۹۴ش، «واکاوی سوژه زن در فضای گفتمانی سینمای ایران (تحلیل گفتمان موردی فیلم‌های لیلا، دو زن و جدایی نادر از سیمین)»، *زن در فرهنگ و هنر*، دوره ۷، شماره ۱، صص ۱۷-۳۶.
پیرزادنی، مینا و مرتضایی زهرا. ۱۳۹۴ش، «سیمای زن در «دیگر کنیزهای تان نیستیم» و «عادت می‌کنیم»»، *فصلنامه مطالعات ادبیات تطبیقی*، سال نهم، شماره ۳۶، صص ۹-۲۶.
جوادی‌یگانه، محمدرضا و صفی، سید محمدعلی. ۱۳۹۲ش، «روایت زنانه جنگ، تحلیل انتقادی کتاب *خاطرات دا*»، *فصلنامه علمی- پژوهشی نقد ادبی*، سال ۶، شماره ۲۱، صص ۸۵-۱۱۰.
حصیری، فاطمه. ۱۳۹۰ش، «بازنمایی کنش اجتماعی در گفتمان فارسی و انگلیسی: تحلیل گفتمان انتقادی در مورد انرژی هسته‌ای در روزنامه‌های ایران و آمریکا»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه شیراز: دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
حلاج‌زاده بناب، حسین؛ خلیفه‌لو، سید فرید؛ و آقاگل‌زاده، فردوس. ۱۳۹۶ش، «شیوه بازنمایی کنش‌گران اجتماعی در گفتمان زنان خواستار طلاق بر اساس الگوی ۲۰۰۸ ون لیوون؛ رویکرد زبان‌شناسی حقوقی»، *جستارهای زبانی*، انتشار آنلاین، صص ۱-۲۱.
حیدرپورفرد، فاطمه. ۱۳۹۳ش، «بازنمایی شخصیت‌های زنان به عنوان کنش‌گران اجتماعی در *رمان‌های سیمین دانشور بر اساس رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی*»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه شیراز: دانشکده ادبیات و علوم انسانی.

خراسانی، عطیه و فخراسلام، بتول. ۱۳۹۵ش، «بررسی تطبیقی زبان زنانه در دو اثر «سگ و زمستان بلند» و «علف‌ها آواز می‌خوانند»»، فصلنامه مطالعات ادبیات تطبیقی، سال دهم، شماره ۴۰، صص ۹-۲۷.

غلامعلی‌زاده، خسرو؛ تفکری رضایی، شجاع؛ و اکبری، حمیدرضا. ۱۳۹۵ش، «نام‌دهی و طبقه‌بندی کنش‌گران اجتماعی در داستان آل براساس الگوی ون لیون»، جستارهای زبانی، انتشار آنلاین. فرقانی، محمد مهدی و عبدی، سید عیسی. ۱۳۹۵ش، «بازنمایی زن در جوک‌های جنسیتی؛ تحلیل گفتمان انتقادی جوک‌های جنسیتی در مورد زنان در شبکه‌های موبایلی»، مطالعات فرهنگ-ارتباطات، سال هفدهم، شماره سی و سوم، صص ۳۱-۵۲.

قندهاریون، عذرا و رستمی، محبوبه. ۱۳۹۶ش، «بازنمایی کلیشه و ضد کلیشه زن، کاوشی در دنیای تبلیغات تلویزیون ایران با رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف»، راهبرد فرهنگ، شماره سی و هشتم، صص ۱۸۵-۲۰۶.

کرمی قهی، محمد تقی. ۱۳۹۱ش، «تحلیل گفتمان سه برنامه توسعه با رویکردی به مسائل زنان و خانواده»، فصلنامه برنامه‌ریزی و رفاه و توسعه اجتماعی، شماره ۱۳، صص ۴۱-۷۴.

میرزایی، ارسلان و فلاحی، محمدهادی. ۱۳۹۵ش، «جایگاه زنان در ادبیات شفاهی قشقای: تحلیلی از منظر گفتمان‌شناسی انتقادی»، دوفصلنامه زبان‌شناسی گویش‌های ایرانی، دانشگاه شیراز، سال اول، شماره دوم، صص ۱۲۲-۱۶۰.

Bibliography

- Aoumeur, H. (2016). Gender Representations in three school text books: A feminist critical discourse analysis. **International Journal of Research in Humanities, Arts and Literature**, Vol. 2, Issue 9, 13-22.
- Asadi, M.; Golfam, A.; Aghagolzadeh, F.; & Afrashi, A. (2015). Linguistic and Socio-semantic Features and the Representation of Social Actors in Press Texts. **Language Related Research**, Vol. 6, No. 2 (Tome 23), 1-24. [Persian]
- Azar, M. Kroll, T. & Bradbury-Jones, C. (2016). Lebanese women and sexuality: A qualitative inquiry. **Sexual & Reproductive Healthcare**, Published by Elsevier B. V.
- Barker, Ch. (2008). **Cultural Studies (Theory and Practice)**. Translated by Mehdi Faraji and Nafiseh Hamidi. Tehran: Research Institute for Cultural and Social Studies. [Persian]
- Bokharaei, A.; Alikhah, F.; Nabati Shaghel, A. (2015). Investigating Female Subject in Discoursal Atmosphere of Iran's Cinema (Discourse Analysis of Leila, Two Women, and Separation of Nader from Simin). **Woman in Culture and Art**, Volume 7, Issue 1, 17-36. [Persian]
- Cristal, D. (1992). **An Encyclopedic Dictionary of Language and Language**, Blackwell.

- Forghani, M. & Abdi, I. (2016). The Representation of Women in Gender Jokes Critical Discourse Analysis of Gender Jokes about Women. **Culture-communication**, Volume 17, Issue 33 - Issue Serial Number 65, 31-52. [Persian]
- Gholamalizadeh, Kh.; Tafakori Rezaei, Sh.; & Akbari, H. (2017). The Nomination and Categorization of Social Actors in "AI", According To Van Leewen's Frame work. **Language Related Research**, Available Online from 31 January 2017. [Persian]
- Haghighat, S. (2008). **Methodology of Political Science**. Qom: Mofid University Press. [Persian]
- Hallajzadeh, H.; khalifehloo, F.; & Aghagolzadeh, F. (2017). The manner of social actor's representation in divorce demanding women's discourse based on Van leewen (2008): forensic linguistics approach. **Language Related Research**, Available Online from 27 June 2017. [Persian]
- Hasiri, F. (2011). The Representation of Social Actions in Persian and English Discourse: A Critical Discourse Analysis of Nuclear Energy in Iranian and American Newspaper, **MA Thesis**, Faculty of Literature and Humanities, Shiraz University. [Persian]
- Heidarpourfard, F. (2015). The Representation of Women as Social Actors in Simin Daneshvar's Novels: A Critical Discourse Approach, **MA Thesis**, Faculty of Literature and Humanities, Shiraz University. [Persian]
- Jamshidi, M.; Navabakhsh, M. (2017). Assessment of Ayatollah Hashemi Rafsanjani's Exposure to the America Object in the Course of Development from the Perspective of Discourse Analysis. **Journal of Iranian Social Development Studies**, Volume 9, Issue 1, 35-53. [Persian]
- Javadi Yeganeh, M. & Sohofi, M. (2013). A Review of "Discourse Analysis of Imposed War Memories; case study of Da Memory". **Literary Criticism**, Volume 6, Issue 21, 85-110. [Persian]
- Karami Qohi, M. (2012). Discourse Analysis of Three Development Plans Based on an Approach of Family and Women. **Welfare Planning and Social Development**, Volume 4, Issue 13, 41-74. [Persian]
- Khorasani, A & Fakhr Eslam, B. (2016). A Comparative Study on Feministic Language in "The Dog and the Long Winter" and "The Grass is Singing". **Comparative Literature Studies**, Volume 10, Issue 40, 9-27. [Persian]
- Lakoff, R. (1975). **Language and woman's place**. New York: Harper & Row.
- Leeuwen, T. Van.(2008). **Discourse and practice: new tools for critical discourse analysis**. Oxford University Press.
- Mehdizadeh, M. (2010). **Sociology of jokes and laughs**. Tehran: Andishehsara-Sunlight.
- Mirzaei, A. & Fallahi, M. (2017). The Status of Women in Qashqai Oral Literature; from the Perspective of Critical Discourse Analysis. **Journal of Iranian Language Linguistics**, Volume 1, Issue 2, 122-160. [Persian]
- Pirzad Nia, M. & Mortezaei, Z. (2015). The Study of Women Image in "We are not Your Slave any Longer" and "We Get Used to" Novels. **Comparative Literature Studies**, Volume 9, Issue 36, 9-26. [Persian]
- Qandehariyun, A. & Rostami, M. (2017). Representation of Woman's Stereotype and anti-Stereotype: A Study of Iranian TV Advertisements Based on Norman Fairclough's Discourse Analysis. **Journal Management System**, Volume 10, Issue 38, 185-206. [Persian]
- Rahnama, B. (2015). **My Favorite Melancholy**. Tehran: Agah Publication, Eighth Edition.

Samavati, Z.; Satvati, J.; & Zerang, M. (2015). The Evaluation Women and Family Status in Development Plans in the National Documents. **Journal of Iranian Social Development Studies**, Volume 8, Issue 2, 49-68. [Persian]